



«هفت بیجار» نیازهای موجود دویا

بعضی از این نیازها را می‌شناسیم. «تغذیه سالم» مهم‌ترین نیاز انسان و عامل رشد و بقای اوست. طبیعت انسان ایجاب می‌کند در جهانی که زندگی می‌کند، برای خودش «مسکن و سرپناه» داشته باشد تا هم از خطرات در امان باشد و هم محلی برای آرامش و استراحتش داشته باشد. بسیاری دیگر از چنین نیازهایی عبارت‌اند از: ارتباط با هم‌نوعان؛ وجود آب و هوا؛ خوابیدن.

بعضی از نیازها در اخلاق انسان ظاهر می‌شوند، مثل نیاز به خندیدن، گریه کردن، ناراحت شدن و خشمگین شدن. انسان‌ها با خندیدن و گریه کردن احساسات درونی خود را نشان می‌دهند. کودک با گریه کردن، تشنه یا گرسنه بودن خود را به مادر

اینکه ما انسان‌ها چه نیازهایی داریم، بحثی قدیمی در میان انسان‌شناسان، روان‌شناسان و جامعه‌شناسان است. ما انسان‌ها از ابتدای تولد نیازهایی داریم که با ما به وجود آمده‌اند. در اینجا دو دسته از نیازهای انسان را با هم بررسی می‌کنیم:

۱. نیازهای طبیعی و غریزی

دسته‌ای از نیازهای جسمی و روانی انسان هستند که به‌نوعی با همه حیوانات دیگر مشترک‌اند؛ مثل حس دوست‌داشتن، محبت کردن، خشمگین شدن، خواستن و پسندیدن چیزهایی که انسان آن‌ها را می‌بیند، می‌شنود یا از نزدیک لمس می‌کند.

می‌فهماند.

شاید «خشم» را برای انسان نیاز ندانید. با وجود اینکه خشم صفتی ناپسند است، ولی انسان‌ها به آن نیاز دارند تا اگر جایی آبرو یا منافعتشان از طرف شخص دیگر در خطر و مورد هجوم بود، به آن شخص غضب یا خشم نشان دهد تا طرف مقابل از عمل خود بر گردد.

غریزه انسان در همین دسته است:

غریزه‌های انسان به دو دسته تقسیم می‌شوند: نیازهایی که به جسم وابستگی دارند و نیازهایی که به جسم وابسته نیستند. الف) نیازهایی که صددرصد به جسم وابسته‌اند، مثل نیازهای گرسنگی، تشنگی و جنسی. مثلاً در لحظه به دنیا آمدن کودک، غریزه گرسنگی او را به گریه کردن وامی‌دارد.

زمانی که انسان به سن بلوغ می‌رسد، غریزه جنسی‌اش خودبه‌خود شکوفا می‌شود. پس نیازهای غریزی ممکن است با توجه به سن افراد متفاوت باشند. نیازهای غریزی خود به خود شکوفا می‌شوند.

ب) نیازهای غریزی که صددرصد به جسم وابسته نیستند، مثل میل به فرزندآوری. انسان‌ها برای اینکه نسل خود را تداوم بخشند، به فرزندآوری نیاز دارند.

انسان‌ها به برتری‌طلبی و و قدرت‌طلبی هم نیاز دارند. آن‌ها برای رسیدن به مقاصد و اهداف خود همواره در تلاش و تکاپو هستند. تمایل انسان‌ها به برتری‌جویی و سبقت از دیگران و پیشرفت را به‌طور خلاصه نیاز انسان به قدرت می‌نامیم.

۲. نیازهای فطری

نیاز فطری یعنی چه؟ فطرت معنایی نزدیک به ابداع یا خلقت ویژه دارد. انسان با تمام اشتراکاتی که با حیوانات دیگر دارد،

ویژگی‌های منحصر به فردی نیز دارد.

نیاز انسان به علم و آگاهی، بعد از تغذیه و مسکن، یکی از مهم‌ترین نیازهای اوست که به وسیله آن از جهل و نادانی‌های می‌یابد و راه خوب زندگی کردن را یاد می‌گیرد.

انسان بی‌نهایت طلب است و با هیچ چیز پرنمی‌شود. از پول و حکومت و ریاست گرفته تا زور و قدرت، هیچ وقت سیر نمی‌شود. تنها چیزی که خواسته‌ها و استعدادهای انسان را سیراب می‌کند،

الطاف و عشق خدای بی‌نهایت است.

یک مثال دیگر از نیاز فطری انسان، به زمانی مربوط است که در مشکلات گیر می‌کنند. وقتی جان و مال خود را در خطر می‌بینند، فقط دنبال ناجی می‌گردند تا نجاتشان دهد. هیچ کس دنبال دو ناجی نیست.

مثال دیگر تشکر کردن است. شما وقتی به کودک شکلات می‌دهید، شاید نتواند بگوید ممنون، ولی به شما لبخند می‌زند. این همان نیاز به تشکر کردن است که به‌طور فطری در وجودش نهادینه شده است. این امر فطری در قبال نعمت‌های خدا خود را به شکل عبادت و بندگی او نشان می‌دهد.

انسان در موقعیت‌های زندگی به خلق کردن و درست کردن چیزهایی احتیاج دارد که قبلاً وجود نداشته‌اند. همین گفت‌وگوهای ما، آثار هنری و ادبی، و همه پیشرفت‌های علمی و فناوریانه، همه ابداع هستند.

اگر بخواهم دقیق‌تر و کامل‌تر بگویم، فطرت انسان این است که به مراتبی از صفت‌های خدا برسد. انسان‌ها موجوداتی حقیقت‌جو، علاقه‌مند به خوبی، علاقه‌مند به زیبایی، اهل خلاقیت و ابداع و اهل عشق و پرستش هستند و لازم است برای تبدیل شدن به انسان کامل، هم برای رفع نیازهای مادی و هم برای رفع نیازهای فطری، مطالعه و برنامه‌ریزی کنیم.